



Comparing Citizenship Rights in Islam and Human Rights

Mojgan Moshfeghi^{1*}

1. Department of Law, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 7-34

Article history:

Received: 28 Des 2024

Edition: 31 Jan 2025

Accepted: 8 Mar 2025

Published online: 5 Apr 2025

Keywords:

Civil rights, human rights, international principles, Imami jurisprudence.

Corresponding Author:

Mojgan Moshfeghi

Address:

Iran, Ardabil, Islamic Azad University, Ardabil Branch, Department of Law.

Orchid Code:

0009-0003-7501-4562

Email:

m.moshfeghi126@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Citizenship rights are considered one of the important concepts in regulating the relations between citizens and the state. The aim of the present study is to explain and compare the aforementioned concept within the framework of Islam and the international human rights system.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Findings: Despite some differences between Islam and human rights in identifying instances of citizenship rights and some of their specific effects, the basic characteristics and features of citizenship rights (such as the non-suspension of basic instances) are similar in Islam and the human rights system.

Conclusion: Equality, security, fundamental freedoms, the right to justice, the right to education, and the right to social security are among the principles of Islamic and international citizenship. Islamic teachings on citizenship rights are very complete and comprehensive, and there is extensive correspondence between human rights documents and the foundations of Islam.

Cite this article as:

Moshfeghi M. Comparing Citizenship Rights in Islam and Human Rights. *Jurisprudential Research on Human Rights*. 2025.



دوره دوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

مقایسه حقوق شهروندی در اسلام و حقوق بشر

مژگان مشفق^{*}

۱. گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: حقوق شهروندی یکی از مفاهیم مهم در تنظیم مناسبات شهروندان و دولت محسوب می‌گردد. هدف از پژوهش حاضر، تبیین و مقایسه مفهوم مزبور در چهارچوب اسلام و نظام حقوق بشر بین‌المللی می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها: علی‌رغم وجود برخی اختلافات میان اسلام و حقوق بشر در شناسایی مصادیق حقوق شهروندی و برخی آثار خاص آن، اوصاف و ویژگی‌های اساسی حقوق شهروندی (مانند تعلیق‌ناپذیر بودن مصادیق اساسی) در اسلام و نظام حقوق بشر مشابه می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه: مساوات و برابری، امنیت، آزادی‌های اساسی، حق دادخواهی، حق آموزش و پرورش و حق برخورداری از تأمین اجتماعی از جمله اصول شهروندی اسلامی و بین‌المللی می‌باشند. تعالیم اسلامی در مورد حقوق شهروندی بسیار کامل و جامع است، و همخوانی گسترده‌ای بین اسناد حقوق بشر و مبانی دین اسلام وجود دارد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۴-۱۷

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۸

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۱۶

واژگان کلیدی:

حقوق شهروندی، حقوق بشر، اصول بین‌المللی، فقه امامیه.

نویسنده مسئول:

مژگان مشفق

آدرس پستی:

ایران، اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اردبیل، گروه حقوق.

کد ارکید:

0009-003-7501-4562

پست الکترونیک:

m.moshfeghi126@gmail.com

۱. مقدمه

متنوع می‌باشد؛ زیرا سایه اصول کلی مزبور در تمام ابواب اعم از عقود، ارث، وصیت و ... ذیل مسائل پراکنده مورد اشاره قرار گرفته است. پرسشی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن می‌باشد این است که، وضعیت حقوق شهروندی (از حیث مصداقی و آثار) در چهارچوب اسلام و حقوق بشر بین‌المللی چگونه است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد این است که، اصول حقوق شهروندی در چهارچوب رویکرد اسلام و نظام حقوق بشر بین‌المللی به صورت مشابه می‌باشد؛ اما از حیث مصداقی، تفاوت‌هایی میان اسلام و حقوق بشر بین‌المللی مشاهده می‌گردد.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیل است. از روش کتابخانه‌ای به منظور جمع‌آوری داده‌ها و مطالب در این تحقیق استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش این مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از آن است که علی‌رغم وجود برخی اختلافات میان اسلام و حقوق بشر در شناسایی مصادیق حقوق شهروندی و برخی آثار خاص آن، اوصاف و ویژگی‌های اساسی حقوق شهروندی (مانند تعلیق‌ناپذیر بودن مصادیق اساسی) در اسلام و نظام حقوق بشر مشابه می‌باشد.

هدف اصلی عالم حقوق، تنظیم روابط میان تابعان حقوق می‌باشد. در میان روابط بسیار گسترده و متنوعی که میان تابعان حقوق وجود دارد، یکی از مصادیق مهم، روابط میان دولت و شهروندانش می‌باشد. به جهت تنظیم و تضمین حقوق شهروندان، در چهارچوب حقوق داخلی کشورها، مجموعه هنجارهای حقوق شهروندی طراحی و تصویب می‌گردد. حقوق شهروندی از یک‌سو ریشه در قانون اساسی هر کشور دارد و از سوی دیگر ریشه در استانداردها و اصول حقوق بشر بین‌المللی دارد. در عرصه حقوق بین‌الملل، در تنظیم روابط مردم با دولت، اصولاً مناسبات ابناء بشر با دولت فارغ از ملیت آن‌ها مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. اما در مواردی خاص مانند تبیین حقوق سیاسی افراد (مانند حق رأی)، مخاطب هنجارهای حقوق بشری، شهروندان یک کشور و دولت آن خواهد بود. به همین جهت می‌توان بیان داشت که هنجارهای حقوق شهروندی ریشه در هنجارها و اصول حقوق بشر بین‌المللی دارند.

مناسبات میان مردم و دولت، یکی از موضوعاتی است که از دیرباز در ادبیات سیاسی-مذهبی مختلف وجود داشته است. دین اسلام نیز به عنوان یکی از ادیان اصلی در جهان، از دیرباز مناسبات مردم و حاکم را در قسمت‌های مختلف مبانی و منابع فقهی مدنظر قرار داده است. در واقع تکالیف و وظایف حاکم اسلامی در قالب اصول کلی در فضای فقه سیاسی مطرح می‌گردد؛ اما اثر این اصول در ابواب مختلف فقه نمایان می‌گردد. به تعبیری، احکام راجع به حقوق شهروندی در فقه اسلامی، بسیار گسترده و

۵. بحث

در این قسمت به تفکیک رویکرد اسلام در تبیین و حفظ مصادیق حقوق شهروندی مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

۵-۱. حقوق شهروندی از دیدگاه روایات

ایمان به خدا پیوندی محکم بین هم دینان پدید می آورد به طوری که از آنان پیکری واحد می سازد که هر یک سلامتی دیگران را سلامتی خود و ناراحتی آنها را ناراحتی خود میدانند. چنانکه امام صادق (ع) فرموده اند: «مومن برادر مومن است، همچون یک بدن که عضوی به درد آید، در سایر اعضا نیز احساس درد میکند، همچنین روح دو برادر مومن از یک روح است.» پیامبر اسلام می فرماید: «هر کس صبح برخیزد و در حالی که به امور مسلمانان اهتمام نداشته باشد، مسلمان نیست.» امام صادق (ع) فرموده است: «خداوند به چیزی برتر از ادای حق مومن پرستش نشده است.» ضرورت پرداخت حقوق تا آنجا حتمی است که امام صادق (ع) ضایع کردن برخی از آنها را خروج از ولایت خدا دانسته فرمودند: «اگر برخی از آن حقوق واجب را تباه سازد، از ولایت و اطاعت الهی خارج می شود و خدا دیگر در او سهمی ندارد» (کلینی، ۱۳۶۹، ۲۱۲). باید توجه داشت که شهروندان نیز از مومنان هستند و حقوق آنها مانند هر مومنی بر گردن انسان واجب است و حتی چنانکه شهروندی مسلمان نباشد، بنابراین که در جامعه اسلامی زندگی می کند؛ رعایت حقوق او واجب است.

۵-۲. اسلام و حفظ امنیت اقتصادی

الف: مسلمانان را بر مال خویش مسلط کرده و دیگران را از هر گونه تعرضی به اموال او بر حذر داشته باشد.

رسول الله (ص) فرموده است: «حرمت مال مسلمان مثل حرمت خون اوست.» بنابراین بر همگان واجب است تا برای امنیت اقتصادی تلاش کنند. ب: تصرف در مال دیگران بدون اجازه آنها، غصب و حرام است. از امام زمان (عج) نقل شده است که فرمودند: «برای هیچکس حلال نیست که در اموال دیگری بدون اجازه صاحبش تصرف کند.» ج: دست درازی مخفیانه به اموال دیگران و سرقت محکوم به کیفر سخت، قطع دست است: «چهار انگشت مرد و زن را قطع میکند.» (مائده، ۳۸). د: انتقال مالکیت جز به رضایت مالک ممکن نیست: «ای مومنان اموال یکدیگر را به ناحق نخورید مگر این که از طریق داد و ستد و رضایت طرفین باشد.» (نساء، ۲۹) ه: هر گونه احتکار: کم فروشی، خیانت در امانت، غش در معامله و بی انصافی را محکوم کرده است: «وای بر کم فروشان» (مطففین، ۱)

۵-۳. ویژگی های حقوق بشر در اسلام

ویژگی های حقوق بشر در اسلام عبارتند از: «اول: جهانی است، زیرا حق مسلم هر عضو خانواده ی بشری است و هر فرد بشر در هر کجا که باشد و از هر نژاد، زبان، جنس، یا دین که باشد، مستحق آن است و کسی مجبور به کسب این حقوق نیست. این حقوق مسلم است. دوم: غیرقابل انتقال است و از بشر قابل انفکاک نیست چرا که بدون آن نمی تواند فرد را بشر نامید. سوم: تقسیم پذیر نیست نمیتوان به خاطر تشخیص در کم اهمیت بودن یا عدم ضرورت آن را از کسی سلب کرد. چهارم: عناصر آن لازم و ملزوم یکدیگر است و متمم و مکمل سایر است. پنجم: هدیه ی الهی است و هیچ مقام بشری از جمله حکومت یا مقامات مذهبی یا سکولار این حقوق را اعطا

قوانین اساسی و عادی کشورهای اسلامی هستیم. از جمله می‌توان به قانون اساسی مراکش (۱۹۶۱م)، الجزایر (۱۹۶۳م)، امارات متحده عربی (۱۹۶۴م)، پاکستان (۱۹۶۴م) و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد» (پروین، ۱۳۸۶، ۵۱).

۴-۵-۱-۲. معاهدات حقوق بشر و سازمان ملل متحد

فعالیت و اقدامات بازیگران عرصه حقوق بشر بین‌المللی منتهی به طراحی و تصویب اسناد بسیار زیادی در قالب قطعنامه، اعلامیه، کنوانسیون، معاهده و ... شده است. «ثمره تلاش جمعی جهانی ازسوی سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای بین‌المللی در رابطه با حقوق بشر وضع مقرراتی به شرح زیر است: اعلامیه جهان حقوق بشر ۱۹۴۸؛ کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل کشی ۱۹۴۸؛ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین ۱۹۵۰؛ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۳؛ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹؛ کنوانسیون بین‌المللی محو همه اشکال تبعیض نژادی ۱۹۶۵» (جانسون، ۱۳۸۸، ۱۰۶).

۴-۵-۵. حقوق بین‌الملل و حقوق بشر

در جهان امروز یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های نظام بین‌الملل، حمایت جهانی از حقوق بشر است که پایبند بودن و نبودن به آن بر حیثیت و اعتبار دولت‌ها شود دیگر بازیگران بین‌المللی اثر مستقیم و مهمی دارد، «این مسئله سبب می‌شود تا بسیاری از کشورها در سیاست خارجی خود حقوق بشر را مورد لحاظ قرار دهند به گونه‌ای که ادارات حقوق بشر در وزارت

نمی‌کنند. ششم: حقوق ذاتی و فطری انسان‌ها است و از آن‌ها به صفات شخصیتی انسان تعبیر می‌شود و به هیچ قرارداد و وصفی وابسته نیست» (البرزی، ۱۳۸۹، ۳۳).

۴-۵-۴. مقایسه حقوق بشر و حقوق شهروندی در اسلام با مقررات بین‌المللی

در این بخش به تفکیک به مقایسه حقوق شهروندی در اسلام و حقوق بشر پرداخته خواهد شد.

۴-۵-۱. منابع فراملی حقوق شهروندی

منابع بین‌المللی متعددی در زمینه حقوق شهروندی وجود دارد که در ادامه منابع اصلی مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

۴-۵-۱-۱. بازتاب اعلامیه جهانی حقوق بشر در قوانین اساسی و عادی کشورهای اسلامی

اعلامیه جهانی، علاوه بر اعلامیه اسلامی حقوق بشر قاهره، در اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی دیگر نیز که کشورهای اسلامی در آن عضویت دارند، حضور دارد. «حتی در سند نهایی یازدهمین اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو جنبش عدم تعهد که در سال ۱۹۹۴ م ۱۳۷۳ ش در قاهره برگزار شد، مرجعیت اعلامیه جهانی به چشم می‌خورد. نمایندگان کشورهای اسلامی به رغم برخی شروط و تحفظ‌ها در بندهای ۹۵ و ۹۹ سند نهایی، تعهد جدی خود را به انجام الزامات مربوط به حقوق بشر، طبق منشور ملل متحد و دیگر اسناد بین‌المللی، اعلام داشتند. در راستای همین دیدگاه‌ها و استمرار آنها از زمان تصویب اعلامیه جهانی تاکنون است که شاهد حضور مستقیم یا غیر مستقیم نشانه‌های حقوق بشر در

مفاسد پیدا و نهان آگاه است و علم مطلق از آن اوست او قادر به تشریع و قانون گذاری برای بشر است قوانین بشری اگر مآخوذ از وحی یا دست کم منطبق بر آن نباشد محکوم به شکست خواهند بود و آشفتگی را در زندگی بشر دامن خواهد زد. از همین جا ضرورت اجتهاد و وجود مجتهدین نیز محرز میگردد حق قانون گذاری به ویژه قوانین جهان شمول مختص خداوند است.»

پاسخ به شبهه: اما در پاسخ به این عقیده که با قبول درستی این مدعا که بشر ناتوان از قانون گذاری بوده و حق تشریع در انحصار خداوند است مشکل مرتفع نمی‌شود زیرا سرانجام این انسان است که باید فهم خویش را از احکام و آیات ملاک عمل قرار دهد و مجتهدان با ادراک و اجتهاد خویش شریعت و قوانین آن را بیان می‌کنند به همین سبب تاریخ اسلام نشان می‌دهد که میان فرقه های اسلامی برداشت ها چنان متنوع و متناقض هستند که به کفر و تکفیر یکدیگر انجامیده است و حتی در درون یک فرقه اسلامی مانند شیعه، دامنه تعدد و تنوع آرا و فتوا چنان گسترده است که اعتقاد به تعبد و انحصار تشریع در دست خداوند نیز نتوانسته است در مقام عمل و واقعیت، قانون جهانشمولی را عرضه کند و شریعت نیز در مقام اجتهاد و تحقق محکوم به همان نسبت و وضعیتی بوده که قوانین بشری بوده اند. (آقابابایی، ۱۳۹۰، ۲۰۱).

۵-۷. چالش‌های جهانشمولی حقوق بشر اسلامی

اعلامیه جهانی حقوق بشر دارای سی ماده است که بر محور تعلیم و تطبیق سه نکته اساسی چالش و

خارجه بسیاری از کشورها ایجاد شده و دولت ها به طور جدی مسئله ی حقوق بشر را مورد بررسی قرار داده، نسبت به الحاق به کنوانسیون های حقوق بشری و یا حتی پیشنهاد یک کنوانسیون در رابطه با حمایت از حقوق بشر بطور جدی عمل کنند. (رفعت، ۲۰۲۲: ۱۳۴) اگر چه اهمیت فراوان حقوق بشر به تازگی برای برخی روشن شده است اما خود مفهوم تاریخی به قدمت دو هزار سال دارد. توسعه مفهوم حقوق بشر با طرح و مقبول شدن ایده های فلسفی و اخلاقی مختلف تاکید شده است و سرانجام دست کم در منظر حقوقی به استقرار قوانین و موسسات سیاسی و حقوقی بسیار پیچیده‌ای انجامیده است که مقصود از آن‌ها صیانت و ارتقای حقوق بنیادین همه انسان‌ها در همه مکان هاست» (مهرپور، ۱۳۸۹، ۴۳).

۵-۶. رد حقوق بشر از نگاه دین‌مداران

برخی از دین‌مداران نظیر مصباح یزدی و فضل الله نوری بر این امر قائل اند که «انسان قادر به شناخت مصالح و مفاسد امور نیست. دامنه شناخت انسان محدود است و هر چه علم او افزون شود جهلش نیز فزونی می یابد و مجهولات تازه ای برایش کشف می‌شود. انسان موجودی است متناهی بنابراین همه‌ی دانش های بشری اعم از حقوق و اخلاق و سیاست و علوم تجربی، محکوم به نقض و ناتمامی‌اند. انسان همچنین اسیر هوای نفس و وابسته به منافع خویش هستند. علاوه بر این گاهی عواطف یا غرایز بشری بر عقلانیت او چیره می‌شود. بنابراین انسان نمی‌تواند قوانین جاودانه ای وضع کند که در عین حال مصالح تمام بشریت را تامین کند و جهان شمول باشد. فقط خداوند که نامتناهی است خالق انسان است و آن را کاملاً می شناسد و بر همه‌ی مصالح و

تنظیم شده است از نظر این اعلامیه همه‌ی افراد بشر بی‌توجه به تمایزات نژادی، قومی، فرهنگی دینی جنسی و مانند آن برابرند. در نتیجه همه‌ی انسان‌ها از حیثیت و حقوق برابر برخوردارند و هیچ کس را نمی‌توان به دلیل مسائل فوق از حقوق خود محروم ساخت. این حقوق بر محور برابری همه‌ی انسان‌ها و علامت فراگیر می‌چرخد این مضامین در چند ماده اول، دوم و هجدهم آمده است. ماده اول می‌گوید «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای تحمل و وجدان هستند و باید در برابر یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.» (هاینر، ۲۰۲۳: ۱۶)

طبق ماده دوم نیز: «هر کس می‌تواند بدون هیچگونه تمایز مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است بهره‌مند گردد.» و ماده ی هجدهم مقرر می‌دارد: «هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود این حق نقض آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان است و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است هر کس می‌تواند از این حقوق فردی یا جمعی بطور خصوصی یا بطور عمومی برخوردار باشد» (ناصرزاده، ۱۳۹۰، ۱۱۷). «بر پایه این سه ماده زنان با مردان مسلمان یا غیر مسلمان و اساساً همه صاحبان ادیان و مذاهب و نیز فرقه‌های سیاسی از لحاظ حیثیت انسانی و حقوق عمومی برخوردارند آزادی مذهبی و برابری سیاسی و جنسیتی از مهم‌ترین نکاتی است که در

چالش با اسلام وجود دارد و باید رابطه اسلام با آن‌ها تبیین گردد. به عبارت دیگر چنان که برخی بیان داشته‌اند بنابر مفاد اعلامیه همه حقوقی که مردان از آن‌ها برخوردارند مانند حق طلاق به زنان نیز تعلق می‌گیرد. ارتداد در تغییر مذهب امری اختیاری است و هیچ کس به دلیل دین داری خود بر دیگری برتری ندارد و حقوق بیشتری را دارا نخواهد بود. اگر کافری را بعنوان قصاص مسلمان به اعدام محکوم کردیم متقابلاً باید این حق را برای کافران نیز قائل شویم که مسلمانی را به قصاص همکیشان خود اعدام کنند و... این‌ها مسائل جدی‌ای است که مسلمانان باید تکلیف خود را با آن‌ها روشن کنند.» (لنگنهاوزن، ۱۳۷۹، ۱۴۴).

۵-۸. راهکارهای پیشنهادی برای رفع چالش‌های حقوق شهروندی در پرتو آموزه‌های اسلامی

به نظر نگارنده با توجه به چالش‌های مطرح‌شده در تطبیق کامل مفاهیم مدرن حقوق بشر با آموزه‌های اسلامی، از جمله تفاوت در مبانی مشروعیت، نوع نگاه به آزادی و برابری، و مصادیق خاص حقوق، لازم است مجموعه‌ای از راهکارهای نظری و عملی برای رفع این تعارضات ارائه شود. در این راستا می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. بازخوانی اجتهادی متون دینی با رویکرد زمان‌مند فقه امامیه، به‌ویژه با ابزارهای اجتهادی مانند قاعده لاضرر، مصلحت و توجه به عنصر زمان و مکان، قابلیت انطباق با شرایط روز را دارد. بهره‌گیری از این ظرفیت می‌تواند امکان ارائه تفسیری روزآمد از حقوق

شهروندی اسلامی فراهم آورد، بی آنکه اصول شریعت نادیده گرفته شود.

۲. تفکیک اصول از مصادیق حقوق بشر

اغلب تعارضات مطرح شده میان نظام حقوق بشر و فقه اسلامی در حوزه مصادیق است، نه در اصول بنیادین. بنابراین پیشنهاد می شود از طریق مطالعات تطبیقی و نظریه پردازی های نوین اسلامی، مصادیق حقوق شهروندی با توجه به بافت فرهنگی جوامع اسلامی بازتعریف شوند.

۳. گفت و گوی مستمر بین فرهنگی و بین دینی

شکل گیری نهادهای علمی مشترک با مشارکت فقها، متکلمان اسلامی و حقوق دانان بین المللی می تواند فضای درک متقابل و تعامل علمی را فراهم کرده و از افراط گرایی در هر دو سو جلوگیری کند. چنین بستری می تواند زمینه ساز تبیین حقوق بشر اسلامی به عنوان نظامی مستقل ولی قابل گفت و گو باشد.

۴. تدوین منشور جامع حقوق شهروندی اسلامی

کشورهای اسلامی می توانند با توجه به منابع اسلامی، منشورهایی بومی و متناسب با شریعت اسلامی طراحی کنند که در آن اصول و حقوق شهروندی به صورت مشخص و الزام آور ذکر شده باشد. این منشور می تواند هم افزایی میان شریعت و اصول عام حقوق بشر ایجاد کند.

۵. آموزش عمومی و نهادینه سازی حقوق شهروندی اسلامی

آگاه سازی عمومی، به ویژه در نظام آموزشی و رسانه های جمعی، درباره مفهوم حقوق شهروندی از منظر اسلام، موجب ارتقاء فرهنگی و ایجاد نگرش

درون زا نسبت به رعایت کرامت انسانی و مسئولیت های متقابل فرد و حکومت خواهد شد.

در مجموع، ظرفیت های نظری و فقهی اسلام در حوزه حقوق شهروندی بسیار گسترده تر از آن است که در چارچوب های کلاسیک غربی قابل مقایسه باشد. با تلاش برای بازسازی فقه حقوق عمومی، گفت و گو با نظام های حقوق بشری بین المللی و استفاده از ابزارهای نوین اجتهادی، می توان به الگویی بومی، مشروع و کارآمد در زمینه حقوق شهروندی دست یافت.

۵-۹. نظام حقوق شهروندی در اسلام

نظام معرفتی اسلام بر اصولی استوار است که به چند اصل مهم آن اشاره می کنیم:

۱- عالم غیب و شهود در اندیشه ی اسلامی جهان هستی به دو بخش غیب و شهود تقسیم شده است مقصود از عالم شهود جهان مادی است که با حواس انسان قابل درک می باشد و مقصود از جهان غیب موجوداتی است که با حواس بشری قابل درک نیست. بر این اساس ایمان به جهان غیب از اوصاف متقیان شمرده شده است.

الذین یؤمنون بالغیب آنان که به غیب ایمان دارند.

۲- هستی مخلوق الله: در اندیشه ی دینی مجموعه ی هستی یعنی موجودات مجرد و مادی از جمله انسان همه مخلوق و آفریده ی موجودی غیر مادی بنام الله می باشند الله خلق کل شی و هو علی کل شی و کل ؛ خدا آفریننده ی هر چیزی است و او بر همه چیز نگهبان است.

۳- هدف دار بودن خلقت: در نظام معرفتی اسلام مجموعه‌ی نظام هستی از جمله انسان برای هدفی خاص آفریده شده است و تمام هستی بدون استثنا به سوی آن هدف در حرکت است.

«وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ؛ (ص، ۲۷). و ما آسمان و زمین و آنچه بین آن دو است را بیهوده نیافریدیم این گمان کسانی است که کفر ورزیده اند پس وای بر کافران از آتش دوزخ».

۴- تدبیر و نظارت بر هستی: در اندیشه‌ی اسلامی خداوند تنها خالق موجودات نیست به گونه‌ای که پس از آفرینش آن‌ها را رها کرده در زندگی آنها نقشی نداشته باشند بلکه خداوند خالق و رب هستی است که موجودات از جمله انسان را تدبیر و نظارت می‌کند. و براساس عملکرد آنان چه رفتار ظاهری و چه رفتار باطنی یعنی اندیشه و فکر آنان را بازخواست خواهد کرد. «لله ما فی السموات و ما فی الارض و ان تبدوا ما فی انفسکم اوتخفوه یحاسبکم به الله فیغفر لمن یشاء و یعذب من یشاء و لله علی کل شی قدیر (بقره، ۲۸۴) آسمان‌ها و زمین و آنچه که در آن است همه ملک خداست و اگر آنچه در دل دارید آشکارا نمائید یا پنهان سازید همه را خدا در محاسبه‌ی شما خواهد آورد آنگاه هرکس را بخواهد می‌بخشد و هر کس را بخواهد عذاب می‌کند و خداوند بر هر چیزی تواناست».

تفسیر: محاسبه آنچه بندگان در دل دارند گاه تصور می‌شود که این آیه با احادیث فراوانی که می‌فرماید: «نیت گناه، گناه نیست» مخالف است. برخی از مفسران بزرگ در پاسخ این اشکال گفته‌اند: «مراد از جمله (ما فی انفسکم) صفات و اخلاق خوب و بد

است که در دل ثابت و مستقر شده است؛ مانند: ایمان، کفر، دوست داشتن، دشمن داشتن و امثال این صفات که در جان آدمی ثابت شده و اعمال او از آن صفات سرچشمه می‌گیرد؛ اما مطالبی که گاهی بی اختیار به ذهن برسد و انسان تصمیم بر انجام آن نداشته باشد مشمول معنای این آیه نیست» (طباطبایی، ۱۳۸۵، ۴۴۱).

۵- زندگی چند مرحله‌ای انسان: در اندیشه‌ی اسلامی برای انسان چند مرحله‌ی زندگی تصویر شده است که در اینجا از دو مرحله‌ی بهم پیوسته و مرتبط با یکدیگر آن یاد می‌کنیم.

الف) زندگی دنیوی: این مرحله از زندگی انسان با تولد او آغاز می‌شود و با مرگ او پایان می‌پذیرد در این جهان انسان از آزادی عمل نسبی برخوردار می‌باشد کیفیت و کمیت رفتار او در سرنوشت او در این جهان و جهان بعدی اثر دارد.

«و ان لیس الانسان الا ماسعمیو ان سعیه سوف یری (نجم، ۳۹). و برای انسان جز آنچه به سعی خود انجام داده است نخواهد بود و این که سعی اش به زودی دیده می‌شود.»

ب) زندگی اخروی: زندگی اخروی انسان با مرگ آغاز می‌شود و ابدی است با این تفاوت که سعادت و خوشبختی انسان در دنیا بسته به سعی و تلاش او در دنیاست ولی سعادت و خوشبختی او در آخرت معلول سختی و تلاش او در دنیاست به تعبیر دیگر جهان آخرت بازتاب عملکرد انسان در دنیاست.

«إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ وَقَوَاقِهِ مِمَّا يَشْتَهُونَ كَلُّوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (مراسلات، ۴۱). برآستی که پرهیز کاران در سایه‌ها و چشمه‌ها قرار

دارند و هر میوه ای که میل داشته باشند مهیاست خطاب می شود بخورید و بیاشامید بر شما گوارا باد اینها در مقابل اعمالی است که انجام می دادید» (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۹، ۱۴).

۶- پذیرش عقل به عنوان منبع شناخت: گر چه واژه ی عقل در متون دینی به معانی متعددی بکاررفته است ولی در تمام متون از عقل به عنوان منبع شناخت جهان از جمله انسان یاد شده است براین اساس در آیات بسیاری کافران به سبب بهره نگرفتن از عقل خود با جملاتی همانند افلا تعقلون سرزنش شده اند. با این حال در متون دینی بر کارآیی نداشتن عقل در تمام موارد تاکید شده است بویژه در بحث بایدها و نبایدهای اسلامی که بخشی از آن مربوط به حقوق می باشد این عدم کارایی عقل مورد تاکید قرار گرفته است چنان که امام صادق می فرماید: دین خدا را با قیاس نمی توان شناخت.

۷- پذیرش حواس بعنوان منبع شناخت: انسان در ابتدای تولد و آغاز زندگی در دنیا از طریق حواس با دنیای خارج ارتباط برقرار می کند و آن را می شناسد ولی همه می دانند حواس انسان برای شناخت همه ی پدیده های جهان به خصوص جهان غیب کارایی ندارد حتی برای شناخت جهان مادی نیز با محدودیت های بسیاری روبرو می باشند به گونه ای که کوچک ترین اشتباه انسان در استفاده از حواس موجب اشتباه در شناخت انسان از پدیده های جهان می شود «والله آخرجکم من بطون امهاتکم لا تعلمون شیئا و جل لکم السمع البصر و الافده لعلکم تشکرون (نحل، ۷۸) و خدا شما را از شکم مادران بیرون آورد در حالی که چیزی نمی دانستید و برای شما گوش و چشم و قلب قرار داد شاید که سپاس گذار باشید.»

و در آیاتی نیز انسان ها بر عدم بهره گیری درست از حواس خود سرزنش شده اند. «افلاینظرون الی الابل کیف خلقت و الی السماء کیف رفعت و الی الجبال کیف نصبت و الی الارض کیف سطحت (غایشه، ۱۷ الی ۲۰) و در آیه ای ضمن پذیرش عقل و حس به عنوان منبع شناخت از اینکه عده ای از آن ها به درستی استفاده نکرده اند و گمراه شده اند گزارش می کند.» «وقالوا کنا نسمع اونعقل ماکنا فی اصحاب السعیر؛ و گویند اگر شنوایی داشتیم یا تعقیل کرده بودیم امروز از اهل آتش سوزان نبودیم.» (ملک، ۱۰).

۸- ضرورت راهنمایی انسان به وسیله وحی: با توجه به هدفمند بودن خلقت انسان و نارسایی عقل و حس برای هدایت انسان به ناچار خداوند به وسیله ی دیگری انسان را هدایت می کند و آن وسیله چیزی جز وحی نیست. برای این کار افرادی از سنخ بشر از میان آنان برگزیده می شوند تا بعنوان واسطه ی میان خدا و خلق به وسیله ی کتاب خدا عهده دار هدایت خلق گردند (عمید زنجانی و توکلی، ۱۳۸۶، ۱۷۳). در دیدگاه اسلامی آخرین کتاب الهی قرآن و آخرین فرستاده اش حضرت محمد می باشد بدون تردید ما به تو وحی کردیم همانگونه که به نوح و پیامبران بعد از او وحی کردیم رسولان بشارت دهنده و بیم دهنده تا آنکه پس از فرستادن رسولان مردم حجتی بر خدا نداشته باشند خدا همیشه مقتدر و حکیم است.

۹- جعل قوانین باید ها و نبایدها: برای رسیدن به هر هدفی نیازمند مجموعه ای از بایدها و نبایدها هستیم یعنی باید کارهایی را انجام داد که تا انسان را به هدف نزدیک کند و از طرفی انجام بعضی کارها انسان را از هدف دور می کند که نباید آن ها را انجام دهند «وَجَاهِدُوا فِی اللّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا

جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ؛ و در راه خدا جهاد کنید آنچنان که حق جهاد است او شما را برگزید و در کار دین برای شمارنج و مشقتی قرار نداد (حج، ۷۸).

۱۰- هدف خلقت انسان: در متون اسلامی برای خلقت انسان اهداف مقدماتی متوسط و نهایی در نظر گرفته شده است که هدف نهایی قرب الهی می باشد که این کار جز با شناخت خداوند و تسلیم شدن در برابر بایدها و نبایدهای او امکان ندارد. «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون»؛ (ذاریات، ۵۶). و جن و انس را بیافریدم مگر برای اینکه مرا پرستش کنند»

آنچه بیان شد بخشی از اصول معرفتی اسلام بود در تبیین نظام حقوقی آن نقش دارد گرچه اصول دیگری را نیز می توان در نظر گرفت اکنون با توجه به نکات یاد شده می توان به پاسخ آن سه سوال پیش گفته پرداخت: در پاسخ به سوال اول باید گفت: ماهیت قوانین حقوقی در مکتب اسلام جعلی است نه ذاتی البته جعلی صرف هم نیست به این معنی که این جعل تابع مصالح مفسد نفس الامری است به تعبیر دیگر می توان گفت جعلی عینی است که از یک سو جعلی قابل نسخ می باشد و از سوی دیگر عینی است که از وجود مصالح و مفسدات در خارج حکایت می کند. در پاسخ به سوال دوم که قانون گذار کیست باید گفت «باتوجه به نکات یاد شده از جمله اینکه بخشی از جهان هستی جهان غیبت است و بخشی از زندگی انسان در جهان غیبت انجام خواهد گرفت و نقش رفتار انسان در سرنوشت او در این دو جهان و ناکارآمدی عقل و حس برای قانون گذاری نسبت به موجودی با این پیچیدگی که نیازمند اطلاعاتی گسترده در باره انسان و جهان و مفسدات و مصالح می

باشد بشر برای چنین کاری ناتوان بوده تنها قانون گذاری اصلی خداوند است که از یک سو همه‌ی هستی را آفریده است سپس او عالم غیب و الشهاده است و از سوی دیگر او انسان را آفریده است و به همه‌ی ابعاد وجودی و نیازمندی های او آگاهی دارد» (مردیها، ۱۳۸۷، ۴۹).

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسُّسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ (ق، ۱۶). و ما انسان را آفریدیم و وسوسه های دل او را می دانیم و ما از رگ گردن به او نزدیک تریم» بنابراین قانونگذاری اولاً و بالذات تنها در اختیار خداست.»

«إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (یوسف، ۴۰). حکم فقط از آن خدا است و خداوند دانش لازم برای قانون گذاری را در اختیار عده ای از انبیا و امامان گذاشته و آنان با توجه به دانش و اذن خداوند در محدوده ای که به آنان واگذار کرده است این حق را دارند.»

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيماً (نسا، ۱۰۵). ما کتاب قرآن را به حق بسوی تو فرستادیم تا بین مردم آن طور که خدا نشانت می دهد قضاوت کنی و به سوی خائنین با مومنان و فقیران به خصومت نپرداز» در پاسخ سوال سوم باید گفت «با توجه به اینکه قانون گذار در اسلام خداوند می باشد و دین اسلام آخرین دین است دین اسلام از نظر زمانی ابدی و جادوانه و از نظر مکانی جهانی می باشد بر این اساس اعتبار این قوانین نیز ابدی خواهد بود زراره از امام صادق درباره ی حلال و حرام پرسیدند فرمودند: حلال محمد همیشه تا روز قیامت حلال است و حرامش همیشه تا روز قیامت حرام خواهد بود غیر از

حکم او حکمی نیست و جز او پیامبری نیاید» (طباطبایی، ۱۳۸۵، ۲۱۹).

۵-۱۰. مقایسه حقوق شهروندی در اسلام با سایر مکاتب

نظر اسلام نه همچون مکتب حقوق طبیعی است که ملاک قوانین و قواعد حقوق شهروندی را تنها واقعیات عینی بداند «و نه مانند مکتب حقوق عقلی محض است که تنها دستورات عقل عملی را ملاک حقوق و قانون قرار دهد و نه مانند مکتب حقوق عقلی محض است که تنها دستورات عقل عملی را ملاک حقوق و قانون قرار دهد و نه همانند مکتب حقوق پوزیتویستی است که قانون حقوق شهروندی را دارای ماهیتی صرفاً قراردادی و اعتباری بداند بلکه قواعد حقوقی اسلام ماهیتی دو رویه و مزدوج دارد یعنی دارای ماهیتی اعتباری واقعی است اعتباری است از آن جهت که متعلق جعل و اراده ی خداوند قرار گرفته است و واقعی است از آن جهت که اراده تشریعی الهی همسوی با اراده تکوینی او است و در نتیجه قوانین اسلام در تبیین حقوق شهروندی مبتنی بر واقعیات و مصالح و مفاسد نفس الامری است. بنابراین می توان گفت قواعد حقوقی اسلام نه صرفاً واقعیتی مکشوف است نه صرفاً اعتباری مجعول بلکه اعتباراتی است مبتنی بر واقعیات اعتباراتی که اعتبارکننده و جاعل آن خداوند علیم و حکیم است و برای شهروندان قوانینی براساس عدالت و برابری وضع نماید» (ممتاز، ۱۳۸۸، ۷۵).

۵-۱۰-۱. مبنای مشروعیت قوانین شهروندی

نگاه اسلام نسبت به معیار مشروعیت قواعد حقوقی با نگاه دیگر مکاتب حقوقی متفاوت است «چرا که از یک سو از نگاه مکاتب طبیعی و عقلی مبنای مشروعیت، انطباق قاعده حقوقی با طبیعت و حکم

بررسی تاریخی، جامعه شناسی و دینی نشان می دهد که اعتقاد به وجود پاره ای حقوق فطری، ضروری بر روی بشر که قانون گذار بشری نباید آن را نادیده بگیرد از دیر باز وجود داشته است در اسلام و مسیحیت اعتقاد به این حقوق که ناشی از اراده ی الهی و لازمه کرامت انسانی است وجود دارد. «اعلامیه های جهانی حقوق بشر مبتکر حقوق بشر نبوده اند بلکه ادیان الهی بویژه اسلام نخستین اعلامیه های حقوق بشر را در برداشته و فلاسفه و دانشمندان نیز به گونه ای از حقوق بشر دفاع کرده اند و قبل از اعلامیه جهانی حقوق بشر این حقوق در برخی از اعلامیه ها و مقررات داخلی کشورها مطرح شده است. به دیگر سخن حقوق آزادی های مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر ترکیبی است از حقوق و آزادی های بشری که قبل از تاسیس سازمان ملل متحد وارد قوانین اساسی و دیگر قوانین کشورهای مختلف جهان گردیده بود. همچنین تاریخ تمدن بشر شاهد کوشش پیامبران، فلاسفه و متفکران و انسان دوستان شرق و مغرب زمین در اعتلای شان و کرامت انسان و دفاع از حقوق و آزادی های اساسی اوست. معهذ از قرن هجدهم به بعد با اعلامیه های مختلف حقوق بشر در امریکا و اروپا به تصویب رسید و با ذکر و تضمین حقوق و آزادی های اساسی در قوانین اساسی کشورها توجه جهانیان بیش از پیش به این حقوق معطوف شد بویژه بعد از جنگ جهانی دوم نهضتی در این زمینه پدید آمد که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق ها و قراردادهای بین المللی متبلور گشت» (شیروانی، ۱۳۸۷، ۸۱).

عقل است هر قاعده حقوق شهروندی که از این وصف برخوردار باشد مشروع است اگر چه دولت و مردم آنرا نپذیرند و هر قاعده ای که فاقد این وصف باشد نامشروع است اگر چه مورد قبول دولت و مردم باشد و از سوی دیگر از نگاه مکاتب حقوق پوزیتویستی برعکس نگاه مکاتب حقوق طبیعی و عقلی مبنای مشروعیت امری اعتباری است. هر قاعده ای را که دولت یا مردم الزام بدانند قاعده ای حقوقی و مشروع محسوب می‌شود اگر چه مخالف قوانین طبیعت و عقل باشد و برعکس هر قانونی را که دولت و یا مردم الزامی نپندارد قاعده ای غیرحقوقی و احیاناً نامشروع تلقی خواهد شد هر چند منطبق بر واقعیات و داده های عقلی باشد از همین رو قواعد حقوقی شهروندی در آنجا دستخوش تغییرات فاحش می‌شود. اما از نگاه اسلام مبنای مشروعیت انطباق قاعده حقوقی با اراده الهی است هر قاعده و قانونی که منطبق بر اراده مطلق حاکم بر جهان و انسان یعنی اراده خداوند باشد مشروع محسوب می‌گردد اگر چه مورد قبول دولت و مردم قرار نگیرد و برعکس قاعده و قانونی که با اراده الهی ناسازگار باشد از مشروعیت ساقط است هر چند مورد پذیرش دولت و مردم باشد» (رضایی پور، ۱۳۸۹، ۲۰).

۵-۱۰-۲. کیستی قانونگذار در حقوق شهروندی

در همه ی مکاتب حقوق طبیعی، عقلی پوزیتویستی این انسان است که به گونه کشفی و یا جعلی قانونگذاری می‌کند. اما در مکتب حقوق اسلام قانونگذار واقعی فقط خداوند متعال است البته انحصار حق قانون گذاری به خداوند نتیجه ی طبیعی جهان بینی توحیدی اسلام است. براساس دیدگاه توحیدی و خدا محوری اسلام پذیرش هر قانونی بجز قانون

الهی شرک محسوب می‌شود. همان سان که اطاعت و پرستش هر کسی جز او شرک تلقی می‌گردد. (عمید زنجانی و توکلی، ۱۳۸۶، ۱۷۷) البته ممکن است خود به پیامبران و ائمه یا گماشتگان و جانشینان ایشان اجازه وضع برخی از قوانین و مقررات اجرایی را بدهد همانطور که دستور اطاعت از آنان را داده است و روشن است که در چنین مواردی نه جعل قانون شرک محسوب می‌گردد و نه اطاعت از غیر خدا چرا که این دو نیز در واقع تجلی دیگری از توحید عملی انسان است. پس تنها خداوند است که اولاً قدرت بر قانونگذاری دارد ثانیاً حق قانونگذاری دارد و جز او کس دیگری نمی‌تواند و نه حق دارد به این کار دست بزند مگر آنکه او اجازه دهد. در این زمینه قرآن با تعبیر مختلف این حقیقت را به انسان می‌آموزد که به بعضی از بیانات قرآنی اشاره می‌کنیم:

بعضی از آیات دلالت دارند که مردم در موارد اختلافات میان اعضا جامعه باید به کتاب های آسمانی رجوع کرده آن را حکم قرار دهند. مثل اینکه می‌فرماید: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ... ؛ مردم امت واحدی بودند خداوند پیامبران را برانگیخت و کتاب خود را همراه ایشان بحق فرستاد تا در میان مردم در مواردی که اختلاف می‌کنند حکم کند» (بقره، ۲۱۳).

تفسیر: اولین پیامبر صاحب شریعت: از روایات معصومین (ع) استفاده می‌شود که تشریع و قرار دادن دین، بعد از حضرت نوح (ع) و جمله «كان الناس امة واحدة» از این آیه به دوران قبل از آن حضرت مربوط می‌شود که مردم براساس فطرت و سرشت الهی خود زندگی می‌کردند و از نبوت و پیامبری و دین خبری

خاصی است که بین این بزرگواران و خداوند وجود دارد که در پرتو آن از مقام عصمت و علم فوق بشری برخوردار گردیده‌اند به همین جهت است که دستورات و اوامر ثابت صادره از جانب پیامبر و ائمه معصومین همانند اوامر الهی به عنوان قانون ثابت اسلام تلقی می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ۸۳)

«خداوند متعال در قرآن کریم صریحاً فرمان می‌دهد که باید مسلمین هرآنچه را که پیامبر به آن‌ها دستور می‌دهد بپذیرند و او را الگوی مردم قرار می‌دهند که براساس رفتار او رفتار خود را تنظیم نمایند. پیامبر گرامی اسلام هم به موجب روایات فراوان از جمله حدیث معروف و متواتر ثقلین ائمه معصومین را به جای خویش در کنار قرآن معرفی کرده است به غیر از دو مورد استثنایی یاد شده هیچ انسانی حق قانون گذاری ندارد بلکه نقش انسان تنها و تنها کشف اراده ی الهی است و نه جعل و وضع قانون بنابراین بصورت قاعده کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که نسبت به قوانین ثابت و پایدار انسان حق قانونگذاری ندارد بلکه وظیفه ی کشف قانون الهی را دارد کشفی مضبوط و روشمند که علم اصول الفقه بیانگر چگونگی آن است.» (کامیار، ۱۳۸۲، ۱۱۴).

در نهایت می‌توان گفت که؛ «حقوق بشر گرچه مفهومی جدید و برخاسته از شرایط قرون متاخر و از مبانی و لوازم لیبرال دموکراسی به شمار می‌رود ولی مستندات تاریخی بیانگر این واقعیت است که ریشه در ادیان الهی دارد و اصول بنیادین حقوق طبیعی شامل حق حیات، حق کرامت، حق تعلیم و تربیت، حق آزادی مسئولانه و حق مساوات و... بتفضیل در تعالیم اسلام مطرح شده و بخش‌های وسیعی از ابواب فقه اسلامی را به خود اختصاص داده است. از نظر

نبود. «این آیه به روشنی نشان می‌دهد که علت و فلسفه ی وجود دین و فرستادن کتاب آسمانی این است که بر جامعه حاکمیت پیدا کند و در اختلافات داوری کند. از این آیه استفاده می‌شود که قبل از پیامبر اسلام و قرآن کریم پیامبران دیگری نیز مبعوث شده‌اند که کتاب‌هایی حاوی احکام حقوقی به منظور رفع اختلافات در جامعه با خود داشته‌اند. آیاتی را که در بالا گفتیم نمونه‌هایی بود از آیات فراوان دیگری که با بیانات مختلف نشان می‌دهد که جز خدا کسی حق قانون گذاری ندارد او دانا و عادل و بهترین حکم کنندگان است او مالک حقیقی ولی نعمت و صاحب اختیار انسان است و او دستور زندگی انسان را توسط پیامبران الهی و قوانین اجتماعی را بوسیله ی کتب آسمانی بر انسان نازل کرده و عقل به انسان فرمان می‌دهد که مطیع و فرمان بردار او باشند» (هاشمی، ۱۳۸۴، ۱۹).

۵-۱۰-۳. نقش انسان در قانونگذاری قوانین ثابت و پایدار

قوانین و قواعد حقوقی اسلام اعتباراتی است مبتنی بر واقعیات و این واقعیات خود واجد ابعاد گوناگون دنیوی و اخروی مادی و معنوی فردی و اجتماعی و بالاخره ثابت و معتبر می‌باشند براین اساس بدیهی است که واگذاری حق قانون گذاری به انسان در ابعاد آن جهانی ثابت و جاوید به دلیل عدم اطلاع و علم شبه منطقی به نظر نمی‌رسد و به همین جهت هم هست که در نظام حقوقی اسلام برای وضع این دسته از قوانین که خارج از حیطه‌ی علم بشری است به انسان عادی اجازه قانونگذاری داده نشده است و تنها در مواردی به پیامبر اسلام و نیزائمه اجازه داده شده است دلیل منطقی بودن این استثنا هم رابطه ی

می‌شود، در حالی که در نظام بین‌المللی حقوق بشر، مشروعیت این حقوق بیشتر مبتنی بر قراردادهای اجتماعی، عقلانیت بشری و تجربه تاریخی بشر است.

اسلام با نگاهی توحیدی و غایت‌نگر، انسان را موجودی دارای کرامت ذاتی و برخوردار از حقوق لاینفک می‌داند که این حقوق نه تنها شامل حقوق فردی و اجتماعی است، بلکه جنبه‌های اخلاقی، معنوی و اخروی او را نیز در بر می‌گیرد. برخلاف آن، حقوق بشر غربی، با رویکردی اومانستی و گاه سکولار، تمرکز بیشتری بر جنبه‌های دنیوی و فردی انسان دارد که همین امر در برخی موارد منجر به تفسیرهایی افراطی از آزادی شده است که می‌تواند منافع عمومی و ارزش‌های اخلاقی جامعه را تضعیف کند.

در نتیجه، می‌توان گفت که حقوق شهروندی در اسلام با داشتن پشتوانه الهی و تکیه بر منابع اصیل دینی همچون قرآن، سنت، عقل و اجماع، از جامعیت بیشتری برخوردار است. این نظام نه تنها به نیازهای مادی انسان پاسخ می‌دهد، بلکه تلاش دارد تا انسان را به سمت تعالی معنوی نیز هدایت کند. از سوی دیگر، نظام بین‌المللی حقوق بشر نیز تلاش کرده است تا با ایجاد اجماع جهانی بر اصولی مانند آزادی، برابری و کرامت، از حقوق بشر پاسداری کند، هرچند در عمل با چالش‌هایی همچون نگاه‌های گزینشی، سیاست‌زدگی و استانداردهای دوگانه مواجه شده است.

از این منظر، الگوی اسلامی حقوق شهروندی می‌تواند به‌عنوان الگوی بومی، مستقل و مبتنی بر فطرت انسانی، چارچوبی متعادل، جامع و انسانی برای توسعه حقوق شهروندی در جوامع اسلامی فراهم

اسلام حقوق بشر حقوقی است که انسان‌ها صرفاً به دلیل هویت الهی (از خدا و به سری خدا بودن، ظرفیت نامتناهی داشتن) از آن برخوردارند اما حقوق بشر غربی به علت غلبه اندیشه مادی، نگاه ماشینی به انسان، بیگانگی با مبدا و معاد و اصالت بخشیدن به لذت‌گرایی و رفاه مادی، هویت واقعی انسان را نادیده گرفته و در نتیجه به دلیل غفلت از موضوع فضیلت و کرامت انسان، دچار انحطاط و انحراف و تناقضات فراوان شده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر به جهت فقدان جهان بینی و مبانی نظری مستحکم مورد نقادی‌های فراوان، بخصوص در جهان اسلام قرار گرفته است باید از ژان ژاک روسو، ولتر و منتسکیو که با پشتکار، اندیشه‌های خویش را درباره ی حقوق طبیعی و فطری و غیر قابل سلب شده بشر در میان مردم نشر دادند و زمینه پیدایی نهضت‌هایی در غرب، در زمینه مسائل اجتماعی به نام حقوق بشر شدند به نیکی یاد کرد. این گروه حق عظیمی بر جامعه بشریت دارند و شاید بتوان ادعا کرد که حق این‌ها بر جامعه بشریت از حق مکتشفان و مخترعان بزرگ کمتر نیست» (آزرداد، ۱۳۸۹، ۵۱).

۶. نتیجه

تحقیق حاضر با هدف بررسی تطبیقی حقوق شهروندی در اسلام و نظام بین‌المللی حقوق بشر نشان داد که هرچند این دو نظام حقوقی از منظر مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی، تفاوت‌هایی بنیادین دارند، اما در زمینه‌ی اهداف و برخی از مصادیق عملی، همگرایی‌هایی قابل توجه میان آن‌ها دیده می‌شود. در نگاه اسلامی، حقوق شهروندی ریشه در اراده الهی دارد و از طریق وحی، عقل و منابع فقهی استخراج

آورد. این الگو هم‌راستا با آموزه‌های دینی، قابل انطباق با نیازهای روز جوامع اسلامی و در عین حال برخوردار از ظرفیت تعامل و گفت‌وگو با نظام‌های بین‌المللی است. بنابراین، بازشناسی و بومی‌سازی حقوق شهروندی بر اساس مبانی اسلامی می‌تواند نقش مؤثری در ارتقاء سطح حقوقی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایفا کند و الگویی نوین در گفتمان جهانی حقوق بشر ارائه دهد.

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.



منابع

- طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۲، مترجم سیدمحمدباقر موسوی همدانی، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵.
- قرآن مجید
- آذرداد، لادن، جایگاه حقوق شهروندی در مراجع شبه قضایی، انتشارات جاودانه، نشر جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- آقابابایی، حسین، نسبی گرایی حقوق بشر و افراط گرایی مذهبی، پژوهش های روابط بین الملل، شماره ۱، صص ۲۰۶-۱۸۳، ۱۳۹۰.
- البرزی، ورکی مسعود، حقوق بشر دوستانه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۰، صص ۴۰-۲۱، ۱۳۸۹.
- قاری سید فاطمی، سید محمد، قلمرو حق ها در حقوق بشر معاصر: جهانشمولی در برابر مطلق گرایی، نامه مفید، شماره ۳۳، صص ۲۰-۵، ۱۳۸۹.
- کامیار، غلامرضا، حقوق شهری، انتشارات مجید، تهران، ۱۳۸۲.
- کلینی، محمدب یعقوب، اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۲، مترجم جواد مصطفوی، ناشر کتابفروشی علمیه اسلامی، تهران، ۱۳۶۹.
- لنگنهاوزن، محمد، بازسازی اسلامی حقوق بشر، ترجمه مهدی منتظر قائم، علوم سیاسی، سال دوم، شماره هشتم، صص ۱۵۲-۱۲۰، ۱۳۷۹.
- مردیها، مرتضی، جنس فلسفی حقوق بشر، فصلنامه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۴، ۱۳۸۷.
- مصباح یزدی، محمدتقی، نقد نظریه حقوق بشر و مبانی آن. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۷.
- پروین، محمد، سناد بین المللی حقوق بشر از دیدگاه اسلام، مجله حقوقی، شماره ۳۷، صص ۶۲-۴۷، ۱۳۸۶.
- جانسون، گلن، اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن، ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران، نشر نی، ۱۳۸۸.
- رضایی پور، آرزو، مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوق شهروندی، نشر سپهر ادب، تهران، ۱۳۸۹.
- شیروانی، رضا، جزوه حقوق بشر در اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، ۱۳۸۷.
- شیروانی، رضا، جزوه دست نویس، حقوق بشر در اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، ۱۳۸۷.

– ممتاز، جمشید، حقوق بشر در تحولات بین‌المللی، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۸۸.

– مهرپور، حسین، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و مواضع جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر اطلاعات، ۱۳۸۹.

– ناصر زاده، هوشنگ، اعلامیه جهانی حقوق بشر، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۹۰.

– هاشمی، سیدمحمد، حقوق بشر و آزادی های اساسی، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۴.

– Bielefeldt, Heiner . “Religious Freedom and Human Rights: New Tensions, Global Debates.” Human Rights Quarterly, ۴۵(۱), (2023), pp. ۱–۲۶.

– Hassan, Riffat. “Islamic Human Rights: A Reappraisal in the Context of Contemporary Challenges.” Journal of Islamic Ethics, ۶(۲), (2022), pp. ۱۲۵–۱۵۰.